گپ

رضا نصری:

پزشکیان به دنبال حذف نیست

سیگنال‌های بازگشت ظریف به کابینه

بالاخره پس از چند هفته‌ای که از استعفای محمدجواد ظریف می‌گذشت، او ظهر دیروز و بعد از حضور در دیدار اعضای هیات دولت با رهبری، در توئیتی از بازگشت خود به معاونت راهبری در دولت چهاردهم خبر داد و نوشت: «بنده و همکارانم در شورای راهبری و کمیته‌ها افتخار داریم که نزدیک به ۷۰ درصد وزرا و معاونان رئیس جمهور و بسیاری از معاونان وزرا و سازمان‌ها نتیجه پیشنهادهای کارشناسی این روند شفاف و مشارکت‌پذیر بود. ان‌شاءا... با رفع کاستی‌ها این روش نهادینه گردد. پس از پیگیری‌ها و رایزنی‌های مدبرانه ریاست محترم جمهوری و با دستور کتبی ایشان، با توکل به خدا و امید به همراهی و راهنمایی مردم بزرگوار، انجام وظیفه در معاونت راهبردی رئیس جمهور را ادامه خواهم داد. از حضور دیرهنگام در دیدار رهبری پوزش می‌خواهم.» بازگشت ظریف با استقبال‌هایی از سوی چهره‌های سیاسی و سیاست خارجی شد، چنانچه محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام به خبرآنلاین گفت: «بازگشت آقای ظریف به دولت را هم به خود ایشان و هم به آقای پزشکیان تبریک می‌گویم. واقعیت این است که آقای ظریف نقش بسیار موثری در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری داشت، مخلصانه و با تمام وجود وارد صحنه شد و هر کاری که از دستش برمی‌آمد، انجام داد.»

رضا نصری، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، هم در گفت‌وگوی با خبرآنلاین در واکنش به بازگشت ظریف به دولت گفت: «به نظرم افکار عمومی از بازگشت دکتر ظریف بسیار استقبال خواهد کرد. کناره‌گیری او برای برخی این تصور را ایجاد کرده بود که افراد شاخص، محبوب و متخصص در کشور مجال نقش‌آفرینی ندارند و انسجام و وفاقی که دکتر پزشکیان در دوران انتخابات وعده داده بود در عمل امکان تحقق ندارد».

آقای نصری! روز گذشته ظریف از بازگشت به دولت خبر دادند و اینکه در معاونت راهبردی ادامه مسئولیت می‌دهند، حضور ایشان چه ارزش افزوده‌ای برای دولت پزشکیان است؟

آقای دکتر ظریف ارتباط قوی و خوبی با جامعه مدنی دارد. ایشان موفق شد در دوران انتخابات، بخش قابل توجهی از جامعه را که دچار رکود شده بود فعال کند و نسبت به آینده امیدوار سازد. حضور دکتر ظریف در دولت فقط به نفع دولت پزشکیان نیست؛ بلکه به نفع کشور و جامعه‌ای است که بیش از هر زمان به امید و پویایی و انسجام نیاز دارد. دکتر ظریف در عرصه بین‌المللی نیز فرد معتبر و شناخته‌شده‌ای است و حضور او می‌تواند برای دیپلماسی عمومی کشور بسیار ارزشمند باشد.

نگاه ایشان در سیاست خارجی و البته برخی مباحث مهم در سیاست داخلی چقدر می‌تواند برای عملیاتی کردن وعده‌های رئیس جمهور کمک باشد؟

دکتر ظریف از پشتیبانی جامعه دانشگاهی و تخصصی کشور برخوردار است. به همین خاطر می‌تواند— در چارچوب وظایف معاونت راهبردی - ظرفیت بالقوه این بخش از جامعه را فعال سازد و به عرصه تصمیم‌سازی هدایت کند. ایشان در حوزه اجرایی سال‌ها تجربه عملی دارد و می‌تواند- با بهره‌گیری از جامعه علمی کشور- توصیه‌های کاربردی و مفیدی برای بهینه‌سازی روندهای موجود به رئیس جمهور ارائه دهد.

استعفای آقای ظریف واکنش منفی در افکار عمومی داشت و گلایه‌هایی از آقای پزشکیان مطرح شد، این بازگشت چه سیگنالی به افکارعمومی است؟

به نظرم افکار عمومی از بازگشت دکتر ظریف بسیار استقبال خواهد کرد. کناره‌گیری او برای برخی این تصور را ایجاد کرده بود که افراد شاخص، محبوب و متخصص در کشور مجال نقش‌آفرینی ندارند و انسجام و وفاقی که دکتر پزشکیان در دوران انتخابات وعده داده بود در عمل امکان تحقق ندارد. معتقدم بازگشت دکتر ظریف این تصور را عوض خواهد کرد و باعث اشتیاق بیشتری در مردم برای مشارکت در فرایندهای سیاسی و انتخاباتی خواهد شد.

رایزنی‌هایی که آقای پزشکیان در سکوت و آرامش دنبال کردند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم دکتر پزشکیان تاکنون نشان داده برای او مقوله «وفاق و وحدت ملی» فقط یک شعار انتخاباتی نبوده و او عمیقا به این راهبرد برای اداره کشور اعتقاد دارد. ترکیب کابینه او و تعاملی که تا کنون با مجلس و سایر نهادها داشته نیز موید این واقعیت است. به‌نظر می‌رسد منش صادقانه، رویکرد و عملکرد دکتر پزشکیان—که به‌دور از حاشیه‌سازی و رسانه‌ای کردن مسائل صورت می‌گیرد— موجب شده جریان‌های سیاسی و کانون‌های مختلف قدرت به او اعتماد پیدا کرده و با او همکاری کنند.

«آرمان ملی» حضور زنان در دولت‌های مختلف را بررسی می‌کند:

وزیر، معاون و حالا سخنگوی دولت

فاطمه مهاجرانی چهارمین زن در دولت

آرمان ملی- حمید شجاعی: زنان همواره در سپهر سیاسی ایران در مناصب گوناگون فعالیت داشته‌اند و بارها نشان داده‌اند که اگر به آنها اعتماد شود می‌توانند عملکردهایی خوب و مثمرثمر را از خود برجای بگذارند. البته زنان نه در ساحت سیاسی بلکه در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، علمی، ورزشی و هنری نیز توانسته‌اند عملکرد مطلوب و قابل توجهی از خود برجای بگذارند و نشان دهند که زن ایرانی اگر فرصت پیشرفت و فعالیت داشته باشد می‌تواند در عرصه‌های مختلف خوش بدرخشد. این رویه به طور مشخص در سال‌های پس از انقلاب بسیار پررنگ دیده شده و این انتظار می‌رفت که هر چه بیشتر و بهتر سهم زنان در عرصه‌های مدیریتی و کلان در نظر گرفته شود. با این حال از ابتدای انقلاب هر چه رو به جلوتر آمدیم اعتماد به زنان بسیار بیشتر شد تا جایی که زنانی در قامت نمایندگی مجلس، معاونت رئیس جمهور، ریاست سازمان‌ها، وزارت و معاون وزیر و... را در دولت‌های مختلف شاهد بودیم. اما مطالبات جامعه زنان نیز همواره جز مسائلی بوده که مطرح شده و باید مورد توجه قرار می‌گرفته که به برخی از این مطالبات جامه عمل پوشانده شده و برخی نیز در حد حرف و وعده باقی مانده است. نگاهی به دولت‌های پس از انقلاب و نوع مواجهه آنها با زنان و به‌کارگیری آنها نشان می‌دهد که دولت‌ها اغلب به‌صورت محدود از ظرفیت زنان در مناصب مشخصی استفاده کرده‌اند و صرفا در حدی به این سمت و سو رفته‌اند که صرفا گفته شود که از ظرفیت زنان هم استفاده شده است. اما اگر نسبت حضور زنان به مردان را در دولت‌ها در نظر بگیریم، خواهیم دید که چیزی حدود ۱۰ به ۹۰ یا شاید کمتر باشد. هر چند که باید اذعان داشت که دولت‌های اصلاحات و اعتدال به نسبت بیشتر از دولت‌های اصولگرایان به این معنا تحقق بخشیده‌اند. در دولت سازندگی مرحوم هاشمی رفسنجانی با تاسیس دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری شهلا حبیبی ریاست آن را برعهده گرفت. ریاست کمیته ملی المپیک به فائزه هاشمی رسید، فاطمه رمضانزاده مدیرکل بهداشت خانواده در معاونت بهداشتی وزارت بهداشت شد و معصومه ابتکار هم ریاست سازمان‌های مردم‌نهاد زنان را برعهده گرفت. اما در دولت سید محمد خاتمی نگاه ویژه‌تری به زنان شد و آنها در مراتب بالاتری به خدمت گرفته شدند. چه اینکه معصومه ابتکار به معاونت رئیس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست و زهرا شجاعی نیز به معاونت رئیس جمهور و ریاست مرکز مشارکت زنان منصوب گردیدند. هر چند انتظارات در خصوص وزیر زن در دولت خاتمی به سرانجام نرسید. پس از وی احمدی نژاد نیز قصد استفاده از زنان را داشت، اما نتوانست آنطور که می‌خواهد از این ظرفیت استفاده کند. او در دولت دوم خود ۳ زن به‌نام‌های فاطمه آجرلو، سوسن کشاورز و مرضیه وحید دستجردی را برای وزارت و رای اعتماد به مجلس معرفی کرد که فقط گزینه آخر مورد قبول واقع شد و بر این اساس مرضیه وحید دستجردی با حضور در وزارت بهداشت اولین وزیر زن ایران پس از انقلاب نام گرفت. هر چند که در آن دولت نسرین سلطانخواه و فاطمه بداغی نیز به ترتیب به معاونت‌های علمی و فناوری و حقوقی رئیس جمهور منصوب شدند. روند حضور زنان در دولت در دولت روحانی نیز در معاونت‌ها سپری شد و در همین راستا معصومه ابتکار در دولت اول به سازمان محیط زیست و در دولت دوم به معاونت زنان رفت، شهیندخت مولاوردی در دولت اول معاون امور زنان و در دولت دوم دستیار حقوق شهروندی شد و الهام امین‌زاده در دولت اول و لعیا جنیدی در دولت دوم به معاونت حقوقی رسیدند. البته در دولت روحانی اتفاق دیگری هم رخ داد و آن انتصاب نخستین دیپلمات زن بود که مریه افخم ابتدا سخنگوی وزارت امور خارجه و سپس سفیر ایران در مالزی شد. با این حال در دولت رئیسی توجه به زنان چندان نبود و تنها ۲ زن به دولت راه یافتند که انسیه خزعلی معاونت امور زنان را در اختیار گرفت و سکینه سادات پاد نیز به عنوان مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی منصوب شد. در مجموع نمی‌توان گفت که دولت‌ها توجهی به حوزه زنان نداشتند، اما بیشتر و بهتر می‌توانستند از این ظرفیت بهره ببرند.

از وعده تا عمل

استفاده از ظرفیت زنان یکی از مسائلی بود که مسعود پزشکیان بسیار بر آن تاکید داشت و چه در مقطع تبلیغات و انتخابات و چه پس از آن در دولت همواره به این مساله تاکید داشته که باید از ظرفیت زنان به خوبی بهره برد. امری که شاید در دولت‌های گذشته در حد حرف و وعده باقی ماند اما پزشکیان نشان داد که برای او از وعده تا عمل راهی نیست و یا حرفی را نمی‌زند و قولی را نمی‌دهد یا به آن وعده و قول عمل خواهد کرد. چنانکه تاکنون که چیزی حدود ۲ هفته از تشکیل دولت می‌گذرد؛ رئیس جمهور ۳ زن را برای مناصب مختلف منصوب کرده است. بر این اساس در حوزه معاونت‌ها زهرا بهروز آذر به معاونت زنان رئیس جمهور و شینا انصاری به معاونت رئیس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست منصوب شده‌اند. در اتفاق مهم‌تر نیز پس از ۱۵ سال و گذشت ۳ دولت دومین وزیر زن در تاریخ انقلاب توانست از مجلس رای اعتماد بگیرد و فاطمه صادق مالواجرد به وزارت راه و شهرسازی برسد. تا قبل از این در خصوص وزیر زن روسای جمهور به رغم وعده‌هایی که می‌دادند در عمل تن به این کار نمی‌دادند و بحث عدم رضایت برخی مراجع را پیش می‌کشیدند و صرفا زنان را در حوزه معاونت و کارهای اجرایی می‌گماردند. اما مسعود پزشکیان با معرفی یک زن متخصص به مجلس برای تصدی وزارت راه و شهرسازی نشان داد که از ظرفیت زنان آگاه است و آنها را در جایگاه‌های مختلف به کار خواهد گرفت. امری که کمتر کسی فکرش را می‌کرد که در دولت مسعود پزشکیان چنین شاهد حضور چشمگیر بانوان در مناصب مختلف باشیم. چه اینکه زهرا بهروز آذر می‌گوید: «تأکید رئیس محترم جمهور و معاون اول به تمام وزیران است که در ترکیب شورای معاونان خودشان حتما از ظرفیت زنان و جوانان و اقوام استفاده شود.»

اولین سخنگوی دولت زن

شاید زمانی که گمانه‌زنی‌های بسیاری در خصوص تیم رسانه‌ای دولت می‌شد بسیاری از اسامی نام آشنای رسانه‌ای مطرح می‌شد که احتمالا پزشکیان فلان شخص را دبیر هیأت دولت یا دبیر اطلاع‌رسانی یا سخنگوی دولت خواهد کرد. اما وقتی سیدکامل تقوی‌نژاد به عنوان دبیر هیأت دولت منصوب شد همه نگاه‌ها به جایگاه سخنگوی دولت رفت که چه کسی این جایگاه را از آن خود خواهد کرد. اما طی روزهای گذشته گمانه‌زنی‌ها از حضور یک زن در مقام سخنگوی دولت خبر می‌داد که روز گذشته این گمانه به حقیقت پیوست و رئیس جمهور طی حکمی فاطمه مهاجرانی را به سخنگویی دولت منصوب کرد تا زنان را در بخشی دیگر از دولت نیز به کار گیرد. لازم به ذکر است فاطمه مهاجرانی در فهرست اعضای شورای راهبری کابینه دولت مسعود پزشکیان نیز حضور داشت. او از جوان‌ترین چهره‌های حاضر در کابینه است و جدای از فعالیت‌های سیاسی اخیر، از جنبه علمی و آموزشی بیشتر به موضوعاتی همچون داده‌کاوی، استراتژای آموزش الکترونیکی، سیستم‌های ترکیبی و رضایت دانشجو توجه داشته است. اقدامات او در ستاد بانوان حامی مسعود پزشکیان، وی را به عنوان چهره‌ای که پیگیر مطالبات زنان است و به بررسی و رفع علل بروز آسیب‌های اجتماعی برای زنان توجه دارد، به رسانه‌ها معرفی کرده است.

گزارش «آرمان ملی» از طرح تازه ناکامان پاستور

دلواپسان برای حضور در پاستور طرح می‌دهند

پزشکیان پذیرای سوءاستفاده از وفاق نیست

آرمان ملی- مطهره شفیعی: پیشنهاد عضویت همیشگی نماینده جبهه رقیب دولت در هیات دولت پیشنهادی است که یکی از سایت‌ها مطرح کرد، سایتی به‌نام «مشرق» که متعلق به اصولگرایان تندرو و دلواپس است! مطرح شده است. نکته قابل تامل آنجاست که این پیشنهاد در زمانی مطرح شده که رئیس جمهور یعنی پزشکیان دارای گرایش اصلاح‌طلبی و حامیانش در انتخابات به غیر از طیف قلیلی، اصلاح‌طلبان بودند البته اصولگرایان دلواپس هم نقش داشتند اما در جهت تخریب پزشکیان و پس از آن هجمه به گزینه‌های پیشنهادی او برای تصدی وزارتخانه‌ها!

ما هم بیایم دولت!

این سایت دلواپس چنین نوشته است: رئیس جمهور پزشکیان گفتمان وفاق ملی را در دستور کار خود قرار داده است. وفاقی که اگر در جهت کارآمدی دیده شود و پیشنهادهای عقلانی در پیوست آن مطرح باشد؛ می‌تواند به بهینگی حکمرانی و سیاست کشور که زمینه‌ساز معیشت و اقتصاد بهتر است منتج شود. در این میان می‌توان پیشنهاد عضویت همیشگی نماینده جبهه رقیب دولت در هیات دولت را مطرح کرد که در صورت تحقق؛ موجب اقتراح معقول، پیشرفتگی حکمرانی و جامعه‌پذیری تصمیمات همه دولت‌های امروز و آینده خواهد شد. در این باره گفتنی‌های مهمی وجود دارد... این یک پیشنهاد سیاسی است: دولت آقای پزشکیان با توجه به گفتمان وفاق ملی و نجابت شخصی دکتر پزشکیان می‌تواند آغازگر یک روند نیکو در فرایندهای سیاسی و اجرایی کشور شود و آن دستور تعیین یک کرسی برای رقیب در هیات دولت به‌صورت دائمی است.

فقط ما باشیم، اصلاح‌طلبان نه

آنچه به‌عنوان عضویت همیشگی نماینده جبهه رقیب در هیات دولت مطرح شده پیشنهاد خوبی است اما سوالات زیادی به همراه دارد. نخست اینکه طرح مورد اشاره چرا اکنون مطرح شده است و آیا اگر جلیلی یا قالیباف رئیس جمهور شده بودند، بازهم چنین پیشنهاداتی از سوی اصولگرایان دلواپس مطرح می‌شد؟ به‌طور قطع اینچنین نبود و تجربه نشان داده که اصولگرایان حاضر به حضور یک رقیب در کنار خود نیستند. همان‌طور که همگان شاهد بودند وقتی در سال ۸۴ دولت در اختیار اصولگرایان قرار گرفت، حضور یک اصلاح‌طلب در کابینه تحمل نشد. اما اصلاح‌طلبان این رویکرد را ندارند. در دولت خاتمی از اصولگرایانی مانند سعیدی‌کیا در جهاد سازندگی، حسین مظفر در جایگاه وزیر آموزش و پرورش و.. استفاده شد. در دولت روحانی که با حمایت اصلاح‌طلبان به روی کار آمد تعداد اصولگرایان کابینه بیشتر بود. نگارنده این طرح باید در ذهن خود شرایطی را تصور می‌کرد که سعید جلیلی رئیس جمهور شده است. به‌طور حتم احتمال استفاده از اصلاح‌طلبان بسیار کم و حتی غیرممکن بود و علاوه بر آن شاید سرنوشت اصلاح‌طلبان مشغول به کار مشخص نبود چرا که وفاق واژه‌ای ناشناخته برای طیف‌های دلواپس اصولگراست و آنها تنها با حذف رقیب میانه خوبی دارند.

طرح خوب ولی مقطعی

نکته قابل تامل‌تر بخشی است که دلواپسان درباره فواید اجرای این طرح منتشر کردند: تعیین یک کرسی برای رقیب در هیات دولت اولا به معنای رسمیت‌بخشیدن به انتقادات اصولی و سیاست‌ورزی عقلانی است. اقدامی که در پی آن البته سیاست‌بازان، ابن‌الوقت‌ها، خناسان و کسانی‌که به‌دنبال از نفس انداختن دولت رقیب هستند به حق مردم در خدمتگزاری دولت توجه نمی‌کنند، رسوا خواهند شد. ثانیا این اقدام متمدنانه سبب می‌شود که دولت تا همیشه پذیرای نقد اصولی باشد و از عقلانیت فراگیری که در اردوگاه رقیب خود دارد نیز در تصمیماتش استفاده کند. پر واضح است که یک تصمیم کلان دولتی اگر با نقد اصولی، چکش‌کاری و با عقلانیت رقیب، تقویت شود؛ تبعاتی کاملا بهینه خواهد داشت. ثالثا حضور نماینده رقیب سیاسی کلان در هیات دولت موجب طوفان ایده و بهره‌مندی دولت از فرمول‌های کارآمدی می‌شود که در تجربیات انباشته جریان رقیب وجود دارد. رابعا وقتی نماینده جریان کلان رقیب در هیات دولت حضور داشته باشد؛ این فضا موجب یک احترام‌انگیزی ویژه در سیاست و جامعه می‌شود و نتیجه احترام‌انگیزی و مدارا هم تماما به سود جامعه و حکمرانان است. زیرا در این فضا بزرگ‌منشی و اصالت‌ها سکه بازار می‌شود، حکمرانی در جایگاه خود فهم می‌شود و افراد کم‌مایه و بی‌اصالت از اتمسفر سیاسی حذف می‌شوند. خامسا وقتی جریان رقیب، نماینده اکثریتی خود را عضو هیات دولت می‌بیند؛ طبعا به مسئولیت‌پذیری بیشتری مبتلی می‌شود و آشکار است که در هنگامه مسئولیت‌پذیری دو جریان سیاسی اصلی کشور؛ نوبهار جامعه‌پذیری سیاسی و همراه شدن مردم و جامعه با تصمیمات کلان کشور خواهد دمید. رسانه‌ها همسوتر می‌شوند و مسیر اتحاد ملی برای جامعه هموارتر می‌شود. این سوال مطرح است که اصولگرایان در عالم واقعیت و نوشتار تا چه اندازه به این موضوع پایبند هستند. از آنچه تا امروز همگان شاهد آن بودند نه فرصت استفاده از توانمندی اصلاح‌طلبان از سوی اصولگرایان تندرو بوده و نه احترام به رقیب که نتیجه هر دو پیشرفت کشور بود.

دعوت از تندروها به کابینه!!

بخش نهایی منتشر شده در سایت دلواپسان به مثابه شیره مالیدن بر سر پزشکیان برای رسیدن به هدفشان است. مشرق نوشت: معتقدم با ادامه روند فعلی—و تقویت هرچه بیش‌تر تعامل و گفت‌وگوی ملی - حس «تهدید» نزد برخی جریان‌های سیاسی به مرور کمرنگ خواهد شد و احتمالا تلاش‌ها برای کارشکنی و تخریب شخصیت‌هایی مثل دکتر ظریف نیز تا حدود قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت. در هر حال، برای جلوگیری از حملات و هجمه‌های گذشته، راهی جز تعامل و گفت‌وگوی مستمر وجود ندارد.

ذره بین

اساتید اخراجی به دانشگاه برمی‌گردند؟

توقف خالص‌سازی در دانشگاه‌ها

در دوران انتخابات، مسعود پزشکیان در میزگرد فرهنگی در صدا و سیما یک استاد اخراجی از دانشگاه را با خود همراه کرد تا پیامی به مخاطب بدهد. هرچند محمد فاضلی، استاد اخراجی دانشگاه شهید بهشتی با تندروی مجری برنامه از کوره در رفت و نتوانست وعده رئیس جمهور را به درستی منتقل کند، اما پیام پزشکیان در همان عبارات کوتاه خودش روشن بود؛ «با هرگونه اخراج اساتید مخالفم؛ پرونده‌سازی و اخراج اساتید اشتباه است؛ زمانی که رئیس دانشگاه بودم یک نفر را هم اخراج نکردم و در صورت قدرت داشتن، به هیچ‌کس اجازه مجازات دانشجو را به خاطر طرح سوال نمی‌دادم.» گزارش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۱۰۰ استاد تراز اول در سه سال گذشته از دانشگاه کنار رفته‌اند. شهریور ۱۴۰۲ سخنگوی وزارت علوم در واکنش به اخراج ۵۸ استاد دانشگاه اعلام کرد: «از این ۵۸ نفر ۳ نفر مربوط به دانشگاه‌های علوم پزشکی و ۱۷ نفر مربوط به دانشگاه آزاد هستند که ارتباطی به وزارت علوم ندارند، از ۳۸ نفر باقی‌مانده ۳ نفر به سن بازنشستگی رسیده‌اند و این بازنشستگی‌ها هیچ ربطی به اخراج و اغتشاشات ندارد.» با این حال شواهد نشان می‌دهد اخراج اساتید، بخشی از پروژه موسوم به «خالص‌سازی» بوده است. شهریور ۱۴۰۲ و در حالی که وزارت علوم، اخراج استادان منتقد و تصفیه دانشگاه‌ها از حضور استادان غیرهمسو با دولت سیزدهم را انکار می‌کرد، مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «آنچه وزارت علوم در برابر معدود اساتیدی که دچار رکود علمی بوده، اما نقش مهمی در نمایش‌های رسانه‌ای داشته‌اند، صورت داده کاملا بر مبنای موازین قانونی و اداری و البته وظیفه انقلابی این وزارتخانه برای پویایی علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها بوده است که جای تقدیر دارد. از جامعه دانشگاهیان و نخبگان علمی کشور نیز انتظار می‌رود همچون همیشه، با قدرت اراده در مسیر تولید علم و ارتقای فرهنگ بکوشند و در این مسیر به تبلیغات سیاسی و جناحی وقعی ننهند.» این قاعده حتی در لایحه موسوم به «حجاب و عفاف» هم بازتاب پیدا کرد. در بندهای متعدد این لایحه بر قوانین جدید استخدامی در همه نهادهای دولتی تاکید شده که طی آن سازمان‌ها و نهادها موظفند افرادی را استخدام کنند که «التزام عملی به عفاف و حجاب» داشته باشند و پیگیری این التزام پس از استخدام هم ضروری است به این معنا که هر زمان عدم التزام ثابت شد، حکم استخدام قابل باطل شدن است. دی ۱۴۰۲، علی ربیعی، در جلسه نشست رئیس جمهور وقت با سران احزاب و فعالان سیاسی، مساله اخراج استادان را مطرح کرد. به‌دنبال طرح این مساله، دفتر ریاست جمهوری از ربیعی خواست که نام استادان اخراجی برای نهاد ریاست جمهوری ارسال شود. ربیعی، در جواب این درخواست، نامه‌ای برای رئیس قوه مجریه نوشت که نام ۱۵۸ استاد اخراجی و ۶۰ استاد وادار به بازنشستگی اجباری به آن ضمیمه شده بود. دانشجوها وعده بازگشت اساتید اخراجی به دانشگاه را پیگیری کرده‌اند. روز دوشنبه ۵ شهریور انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در نامه‌ای خطاب به سیمایی، وزیر علوم جدید خواستار بازگشت اساتید اخراجی شدند. در این نامه دلیل اخراج‌های در دوره‌های قبل «روند ناصواب خالص‌سازی دانشگاه» عنوان شده و از وزیر علوم خواسته شده «بازگشت کرامت به دانشگاه» را که از اهداف خود تعریف کرده، محقق کند. شریفی زارچی استاد اخراجی دانشگاه شریف در دولت سیزدهم اولین نفری بود که از تحقق این وعده خبر داد. شب دوشنبه، ۵ شهریور، علی شریفی زارچی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) خود از بازگشت به دانشگاه خبر داد و نوشت: «بازگشت من به دانشگاه شریف قطعی شد و پس از یکسال وقفه، از ترم پاییز درس خواهم داد. خداوند را به خاطر خدمت به مردم عزیز ایران شکر می‌کنم. از حمایت جامعه دانشگاهی به خصوص همکارانم در شریف و دانشجویان عزیز سراسر ایران سپاسگزارم. پیگیر بازگشت سایر همکارانم خواهم بود.» اگرچه ظاهرا روند بازگشت اساتید با شریفی زارچی آغاز شده، اما سوال اینجاست که آیا این روند، یک رویه ادامه‌دار خواهد بود؟

بسیاری از اساتید و دانشجویان غیرعادلانه اخراج شدند

معاون وزیر علوم در دولت اصلاحات در خصوص بازگشت اساتید اظهار داشت: مساله بازگشت اساتید و دانشجویان اخراجی مطالبه شخص مسعود پزشکیان است و رئیس جمهور می‌خواهد این مساله مورد بررسی جدی و صریح قرار بگیرد و کار به سرانجام برسد. نماد این پیگیری هم همین بازگشت آقای دکتر زارچی به دانشگاه بوده است. غلامرضا ظریفیان درباره اینکه آیا کمیته انتخاب وزیر علوم، بازگشت اساتید و دانشجویان اخراجی به دانشگاه را به‌عنوان یک فاکتور مهم در انتخاب وزیر مد نظر داشته یا خیر؟ می‌گوید: این مطالبه در کمیته مطرح شده و شخص سیمایی صراف وزیر علوم به جد به این مساله اهتمام دارد. او به شعار پزشکیان مبنی بر «عدالت، انصاف و بازگشت حق» اشاره کرد و اظهار داشت: بسیاری از اساتید و دانشجویان به‌دلیل برخورد غیرعادلانه و غیرمنصفانه اخراج شده‌اند: «این‌ها سرمایه‌های مهم کشور هستند.» وی با اشاره به مصاحبه اخیر جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی ریاست جمهوری که مسئولیت اداره امور گزینش کشور را هم برعهده دارد، تصریح کرد: مسئول گزینش کشور در یک برنامه تلویزیونی رو به مردم گفت که «باید معلمانی را انتخاب کنیم که دانش بیشتری دارند... تا زمان اصلاح شیوه‌نامه گزینش، از عزیزان گزینش خواهش می‌کنم با جوانان و دختران این سرزمین مهربانانه‌تر برخورد کنند. حتی اگر مشکلی وجود دارد، باید با جذب این‌ها در دولت، کاری کنیم جوانی به خاطر برخورد غلط نهاد گزینش از کشور خارج نشوند.» این استاد دانشگاه به یک رویه دیگر در اخراج اساتید هم اشاره کرد که از زمان دولت احمدی‌نژاد تحت عنوان «بازنشستگی اجباری اساتید» در حال انجام بوده و در دولت قبل، دامن چهره‌هایی، چون صالحی امیری وزیر ارشاد دولت چهاردهم را هم گرفته است. ظریفیان افزود: بسیاری از اساتیدی که به‌صورت اجباری بازنشسته شدند، در واقع هم صلاحیت علمی خوبی داشتند هم زمان بازنشستگی‌شان نبوده، اما مشمول مهرورزی خاص دولت قبل شدند. این عضو کمیته انتخاب وزیر علوم تاکید کرد: بازگشت شریفی زارچی به دانشگاه شریف یک نمونه از اجرای رویه‌ای است که آغاز شده و «اطلاع دارم که اقداماتی است که هم ریاست جمهوری و هم وزارت علوم در برنامه دارند، قرار است به‌صورت رویه قانونی انجام شود.»